

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره چهارم - تیر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۰

بازتاب مَثَل و تمثیل و کارکرد آن در هزار و یک شب

(ص ۸۷-۱۰۶)

شکوفه محمدی رایگانی^۲، محمد حکیم آذرآنویسنده مسئول، حسین

خسروی^۳

تاریخ دریافت مقاله: مهر ۱۳۹۶ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهمن ۱۳۹۶

چکیده

هزار و یک شب از جمله کتابهای افسانه‌ای ما و جهان اسلام در زمینه ادبیات شفاهی و عامیانه است که علاوه بر گستره معنی و مضمون، تنوع بالای ماجراها، حوادث و شخصیت‌های متنوع و گوناگون، توصیفات زیبا و صنایع ادبی، تلفیق نظم و نثر و ... یک منبع مهم، برای مَثَلها و اصطلاحات عامیانه‌ای است که در مراودات و مکالمات روزمره آن دوران کاربرد داشته است. در این پژوهش، نگارنده در پی استخراج، دسته‌بندی، بررسی و تحلیل بسامد انواع مَثَل و تمثیل در این کتاب است. بدین منظور مَثَلها را از دیدگاه‌های مختلفی چون؛ روایی و توصیفی بودن، محتوا و جهت‌گیری مَثَلها، مضمون و قهرمان تمثیلها، عربی و فارسی بودن مَثَلها، و تقسیم‌بندی مَثَل از دیدگاه استاد بهمنیار بررسی کرده و بسامد آنها از طریق نمودار نمایش داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۶۵ درصد تمثیلها از گونه توصیفی و حدود ۷۲ درصد مَثَلها فارسی هستند، همچنین بیشتر جهت‌گیری مَثَلها از گونه توصیفی و هنجاری، بیشتر مَثَلهای کتاب از نوع منثور و تمثیل و قهرمان ۷۱ درصد مَثَلهای تمثیلی از نوع انسان است.

واژه‌های کلیدی: مَثَل، تمثیل، هزار و یک شب، طسوجی.

^۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

^۲ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی واحد شهر کرد (مسئول مکاتبات)

(derili@kiau.ac.ir)

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی واحد شهر کرد (hakimazar@gmail.com)

^۴ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی واحد شهر کرد

(h_khosravi2327@yahoo.com)

**“ The reflection parable and allegorie and its function at
thousand and one night”**

Shokoufeh Mohammadi Raighani,

Mohammad Hakimazar¹(corresponding Author), Hossein Khosravi²

Abstract

Thousand and one nights, including our legendary books and the Islamic world in the field of oral and folk literature, in addition to the range of meaning and content, a wide variety of events, events and various personalities, beautiful testimonies and literary industries, The combination of order and prose ... is an important source for the folk parables and idioms used in everyday interactions and conversations of that era. In this research, the author seeks to extract, categorize, analyze the frequency of types of parables in this book. For this purpose, the parables have been examined from different perspectives such as: narrative and descriptive, content, and orientation of parables, themes and heroes of allegories, Arabic and Persian parables, and the division of parable on Professor Bahman Yar, showing their frequency through the graph. The findings of the research show that 65 percent of the allegories are descriptive and about 72 percent of the parables are Persian, as well as more orientation of the parables from the descriptive and normative species, most of the book's parables are prose, allegory and hero. 71 percent of the allegorical parables are the human type.

Key words: parable , allegories, thousand one night, Tasso

¹ - Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran (derili@kiau.ac.ir)

² - Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran (hakimazar@gmail.com)

³ - Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran (h_khosravi2327@yahoo.com)

مقدمه

شاید ترکیب «کلام جامع» بهترین واژه‌ای باشد که بتوان در یک تعریف کلی برای انواع مَثَل، تمثیل، ضرب‌المثل و ... در نظر گرفت، اما بسیار کلی می‌نماید. از آنجا که هر تعریف باید جامع و مانع باشد، متأسفانه این ترکیب «کلام جامع» برای آن اصطلاح، جامع است اما نمی‌تواند مانع باشد. به هر حال در حقایق‌الحدایق چنین آمده است: کلام جامع؛ این صنعت آن است که شاعر ابیات خود را از حکمت و موعظت و شکایت روزگار خالی نگذارد. (کاوشی در مَثَل، تمثیل و ارسال‌المَثَل، سازواری و همکاران: ص ۷۲) همچنین، دکتر شمیسا (نگاهی تازه به بدیع: ص ۱۰۹) هم در مورد تمثیل می‌گوید: «کلامی که حاوی ضرب‌المثلی باشد یا جنبه ضرب‌المثل داشته باشد. به عبارت دیگر ممکن است نویسنده یا شاعر ضرب‌المثلی را در سخن خود به کار گیرد و یا کلام او بعداً ضرب‌المثل شود.» استاد جلال‌الدین همایی (فنون بلاغت و صناعات ادبی: ص ۲۹۹) ارسال‌المَثَل را با تمثیل یکی میدانند و در تعریف آن چنین مینویسد: «آن است که عبارت نظم و نثر را به جمله‌یی که مَثَلی یا شبیه مَثَل و متضمن مطلبی حکیمانه است بیارایند و این صنعت همه جا موجب آرایش و تقویت بنیة سخن میشود و گاه باشد که آوردن یک مَثَل در نظم و یا نثر و خطابه و سخنرانی اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد.» نه تنها «استاد همایی» بلکه بسیاری از علمای علم بلاغت در آثار مشهور خود این دو را (ارسال‌المَثَل و تمثیل) ذیل یک عنوان و مترادف با یکدیگر آورده‌اند و اکثر بدیع‌دانان ارسال‌المَثَل را با تمثیل یکی دانسته‌اند و در تعریف، آن را متضمن مطلبی حکیمانه دانسته‌اند، در حالی که این همان تعریفی است که علمای فن درباره امثال سایر یا حکمت آورده‌اند. از طرف دیگر هر ارسال‌المَثَلی و یا هر مَثَلی نباید و نمی‌توان لزوماً تمثیل هم باشد. مَثَل «چو دخلت نیست خرج آهسته‌تر کن» یا «تا رنج تحمل نکنی گنج نبینی» و ... همگی ارسال‌المَثَل یا مَثَل شمرده می‌شوند، اما تمثیل نیستند؛ زیرا اساساً مقایسه یا تشابهی در میان نیست. شرط در ارسال‌المَثَل این است که شاعر یا سخن‌دان حتماً در کمال خود ارسال‌المَثَل را بیاورد، نه اینکه از خود چیزی را ابداع کند. زیرا در غیر این صورت خود تولید مَثَل یا حکمت کرده است. حال اگر در این ابداع تشبیهی مرکب در دو طرف وجود داشته باشد خود تمثیلی خواهد بود. در حقیقت مَثَل یکی از منابع تاریخی و قدیمی آثار ادبی بشری است که بیشتر به صورت امر و نهی و کلیات بیان می‌شده است. بعضی آن را قدیمترین آثار ادبی که از فکر انسان تراوش کرده، میدانند و معتقدند که انسان پیش از آن که شعر بگوید و پیش از آن که بنویسد مَثَل را اختراع کرده است. مَثَل حکمت توده‌های مردم است، به علاوه در سینه همین توده‌ها میماند و سالهای سال از نسلی به نسلی دیگر منتقل میشود و همین مردمانند که با استفاده از انواع مثلها در میان کلام خود باعث رواج و رونق آن شده و در

نتیجه سبب شیوایی و فصاحت سخن میگردد. باید دانست که تنها فصاحت و بلاغت سبب مَثَل شدن عبارتی نمیشود، گاهی کثرت شنیده شدن عبارتی آن را مَثَل میسازد. بنابراین بسیاری از مَثَلها، از دل فرهنگ عامه به ادبیات و شعر راه یافته است، این امر لزوم توجه به ادبیات عامیانه را دو چندان میکند. یکی از کتابهایی که حاوی ادبیات شفاهی اقوام هند و ایرانی، بغدادی و مصری است، کتاب هزار و یک شب است که گنجینه‌ای از مَثَل و تمثیل به شمار میرود.

کتاب هزار و یک شب یکی از شناخته‌ترین و مطرح‌ترین کتابهای افسانه‌ای ما و جهان اسلام در زمینه ادبیات شفاهی و عامیانه است. این کتاب حاوی مطالب گوناگون از رمزها، تمثیلات، آداب و رسوم، باورها و آیینهای مردمان زمانه است. در واقع، هزار و یک شب، مجموعه‌ای بی‌نظیر از موضوعات و مسائل ادبی، تعلیمی، تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی است که میتوان آن را از دیدگاه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، فرهنگ و ... مورد بررسی قرار داد و به نتایج قابل توجهی رسید. این کتاب در دوره قاجار به درخواست بهمن میراز از متن عربی کتاب «الف لیل و لیل» توسط عبداللطیف طسوجی به زبان فارسی ترجمه شده است. هزار و یک شب مؤلف و تاریخ تألیف مشخصی ندارد، و به درستی معلوم نیست که به وسیله چه فرهنگ، تفکر و زبانی به وجود آمده است. این درحالی است که عده‌ای از پژوهشگران، آن را دارای آمیزه‌هایی از اندیشه‌های هندی، ایرانی، عربی، بغدادی، مصری و گاه یونانی میدانند. (افسون شهرزاد، ستاری: ص ۷-۱۰) هزار و یک شب کتابی است که از گستره مضمون و معنی، متنوع بودن ماجراها، حوادث، شخصیتها، توصیفهای زیبا، دارا بودن نثر و زبان ویژه و منحصر، به کار بردن صنایع و بازیهای ادبی در آن، همراه بودن نثر با نظم، کوتاهی جمله‌ها، حذف زواید القاب و تعریفهای خسته‌کننده، ترک استشادات مکرر از تازی و پارسی، صراحت در لهجه، استفاده ظریف از نثر آهنگ‌دار ... تشکیل شده است. علاوه بر این «داستانهای هزار و یک شب منبع سرشاری نیز برای ضرب‌المثلها و اصطلاحاتی است که به مراودات و مکالمات روزمره لطف و زیبایی می‌داده است.» (تحلیلی از هزار و یک شب، رابرت: ص ۱۵۹) در این پژوهش در پی بررسی و تحلیل انواع مَثَل و تمثیل از دیدگاه‌های مختلف هستیم.

اهمیت مَثَل و تمثیل و بازتاب آن در ادبیات عامیانه، ما را بر آن داشت تا در این پژوهش به دنبال بررسی انواع مَثَل و تمثیل، ساختار آنها، محتوا و جهت‌گیری و ... در کتاب هزار و یک شب بپردازیم. و در پی پاسخ به سؤالاتی چون: از لحاظ شکل (روایی و توصیفی) بسامد تمثیلات این کتاب چگونه است؟ میزان تمثیلهای عربی و فارسی چقدر است؟ تمثیلات کتاب از منظر جهت‌گیری و محتوا چگونه هستند؟ بسامد انواع مَثَل (با توجه به دیدگاه استاد بهمنیار) در این کتاب چگونه است؟ قهرمان تمثیلات بیشتر از نوع انسان است

یا حیوان؟ به طور کلی در این پژوهش، اهمیت و نقش مَثَل و تمثیل در ادبیات عامیانه بیشتر نمایان میشود.

پیشینه تحقیق

درباره مَثَل و انواع آن کتابها و پژوهشهای بسیاری انجام شده است. از جمله کتابهایی که به طور مفصل به این مبحث پرداخته‌اند، عبارتند از: کتاب داستان‌نامه بهمیناری (۱۳۸۱) اثر احمد بهمیناری؛ رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی (۱۳۹۱) تألیف تقی پورنامداریان؛ بلاغت تصویر (۱۳۹۳) تألیف محمود فتوحی؛ صور خیال در شعر فارسی (۱۳۶۶) تألیف شفیع کدکنی؛ فرهنگ امثال فارسی (۱۳۴۷) تألیف یوسف جمشیدی‌پور؛ کاوش در امثال و حکم فارسی (۱۳۶۴) تألیف سید یحیی برقی؛ ریشه‌های تاریخی امثال و حکم (۱۳۹۱) تألیف مهدی پرتوی آملی؛ دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها (۱۳۹۰) تألیف ابراهیم شکورزاده؛ تمثیل و مثل (۱۳۵۲) تألیف ابوالقاسم اینجوی شیرازی؛ صراحی می ناب (۱۳۹۲) تألیف فرشته سپهر؛ ارسال‌المثل در مثنوی (۱۳۷۶) تألیف علیرضا منصور موید؛ مثلها و حکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم (۱۳۹۳) تألیف رحیم عفیفی؛ تمثیل در همه این آثار به صورت کلی مورد بررسی قرار گرفته است و از نظر تخصصی به جنبه‌های گوناگون ضرب‌المثل توجهی نشده است. مقالات و پژوهشهای ارزنده‌ای نیز در زمینه مَثَل و تمثیل صورت گرفته است از جمله: حسن ذوالفقاری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت ضرب‌المثل با برخی گونه‌های زبانی و ادبی مشابه»، که بیشتر به تفاوت مَثَل با برخی انواع مشابه مَثَل، ارسال‌المثل، اسلوب معادله، ضرب‌المثل و ... پرداخته است. همچنین ذوالفقاری در سه مقاله دیگر با عناوین «سیری در داستانهای امثال» (۱۳۸۴)، و «بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی» (۱۳۸۶)، «تفاوت کنایه با ضرب‌المثل» (۱۳۸۷)، به ترتیب، زمینه‌های به وجود آمدن، سیر تحول امثال و جایگاه آنها در جامعه مورد بررسی قرار گرفته است. احمد پارسا (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «مثلها از نگاهی نو»؛ قهرمان شیرازی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن»؛ غلامحسین ملایی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان «تمثیل در ادبیات ایران و جهان»؛ احمد خیالی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تمثیل در ادب پارسی»؛ احمد ابومحبوب (۱۳۷۲)، در مقاله‌ای با عنوان «در تمثیل و ارسال‌المثل» و ... از مقالاتی هستند که در توضیح، تشریح و تقسیم‌بندی انواع مَثَل و تمثیل در ادبیات فارسی کمک شایانی کرده‌اند.

درباره کتاب هزار و یک شب، کتابها، پایان‌نامه‌ها و مقالات زیادی انجام شده که هر کدام به جنبه‌ای از این کتاب پرداخته‌اند، از جمله: نغمه ثمینی (۱۳۷۹)، کتاب «عشق و شعبده، پژوهشی در هزار و یک شب» به معرفی کتاب و تحلیل داستانها با توجه به برخی عناصر فانتزی به کار رفته در آنها پرداخته است؛ جلال ستاری (۱۳۶۸)، «افسون شهرزاد،

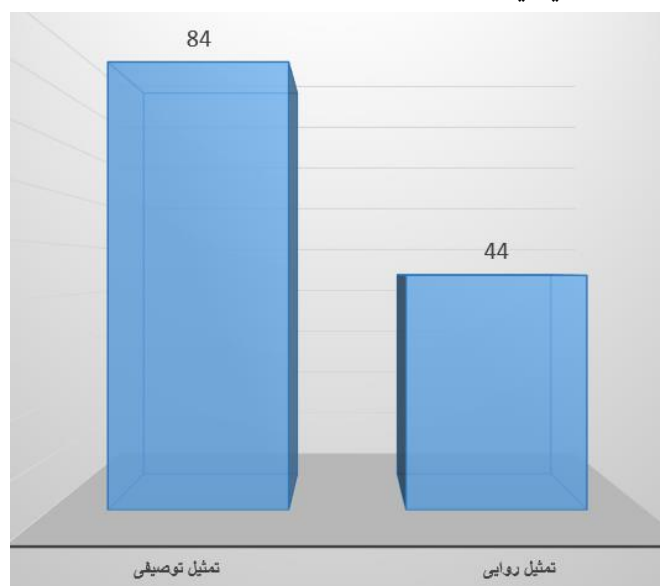
پژوهشی در هزار افسون» مجموعه‌ای پژوهشهایی را دربارهٔ هزار و یک شب تدوین کرده است؛ رابرت ایروین (۱۳۸۹)، «تحلیلی از هزار و یک شب» که در آن، داستانهای هزار و یک شب و ساختار کلی آنها، نیز اجزا، عناصر و شخصیت‌های قصه‌ها بررسی شده است و ... مقالات زیادی نیز دربارهٔ این اثر نگاشته شده است، از جمله: نجمه دری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «سبک روایتگر در هزار و یک شب» به بررسی تفاوت‌های فانتزی هزار و یک شب با سایر حکایات پرداخته است؛ شایسته ابراهیمی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «چاره-گری زنان در هزار و یک شب» سعی کرده است تا صفت منفی «مکر» را دربارهٔ زنان به چاره‌گری تبدیل کند؛ مریم حسینی و حمیده قدرتی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «روند قصه‌گویی شهرزاد در توالی قصه‌های هزار و یک شب» معتقد است که پایان داستانها روندی هوشمندانه دارد و وضعیت زنان به مرور بهبود مییابد؛ ابراهیم دمشناس (۱۳۸۴)، قصه‌اندیشی ایرانی در هزار و یک شب، تحلیلی بر فصل آغازین هزار و یک شب؛ محمود طاووسی، و همکاران (۱۳۸۶)، در جستجوی شهرزاد هزار و یک شب؛ جلال ستاری (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر هزار و یک شب؛ نغمه ثمینی (۱۳۷۶) جنبه‌های دراماتیک هزار و یک شب؛ محبوبه خراسانی و همکاران (۱۳۸۹) مقاله تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک شب؛ غزال زرگر امینی (۱۳۸۶) مقاله جاذبه و افسون هزار و یک شب و ...

با توجه به آنچه ذکر شد، نگارنده هیچ پژوهش جامع و مستقلی دربارهٔ مَثَل و تمثیل و بازتاب و کارکرد آن در حکایت‌های هزار و یک شب ندیده است. در حالی که داستانهای حکایت‌های این کتاب، منبع مهم و برجسته برای انواع تمثیل و مَثَل محسوب میشود. در این پژوهش، سعی شده تا مَثَل و تمثیلهای موجود در کتاب هزار و یک شب از چند منظر مختلف مورد بررسی قرار گیرند. بدین منظور ابتدا انواع مَثَل را از منظر شکل؛ روایی و توصیفی بودن بررسی شده، سپس بسامد مَثَل‌های روایی را از نظر عربی و فارسی بودن ذکر شده؛ در ادامه مَثَلها از لحاظ جهت‌گیری و محتوا بررسی شده‌اند. همچنین، انواع مَثَل را بر اساس دیدگاه استاد بهمنیار تقسیم‌بندی و بسامد هر کدام را نشان داده‌ایم و در پایان تمثیلهای موجود در کتاب را از منظر محتوا و هم از نظر قهرمان داستان بررسی و تحلیل کرده‌ایم. ضمن اینکه میزان و بسامد در هر یک از این مباحث را به شکل نمودار نشان داده شده است.

بحث و بررسی

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، مَثَل و تمثیل یکی از روشهای بیان غیرمستقیم معانی و اندیشه‌های شاعر و نویسنده است که صور و گونه‌های مختلفی دارد. تمثیل میتواند شکلی کوتاه یا گسترده داشته باشد؛ به طوریکه هم در یک یا چند بیت و یا جملهٔ محدود به کار می‌رود و هم در شکلی گسترده کاربرد دارد. از این رو به دو بخش کلی تقسیم میشوند: تمثیلهای که شکل داستانی دارند و به تمثیل روایی معروف‌اند و تمثیلهایی که چنین نیستند

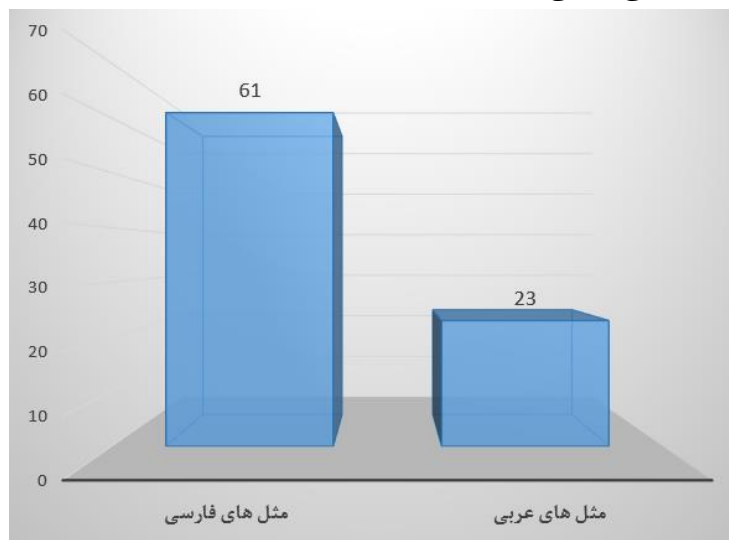
و توصیفی خوانده میشوند. تمثیلهای روایی شامل: فابل، پارابل، و تمثیلهای رمزی است؛ و تمثیلهای توصیفی شامل تشبیه تمثیلی، اسلوب معادله، ارسال المثل، و استعاره تمثیلیه است که بیشتر تمثیلهای از نوع توصیفی هستند. (سرچشمه‌های تکوین و توسعه انواع مثل، حمیدی، ص ۷۶) در کتاب هزار و یک شب، هر دو گونه تمثیل به کار رفته است با این تفاوت که تمثیل توصیفی از بسامد بیشتری نسبت به تمثیل روایی برخوردار است. در نمودار زیر بسامد انواع تمثیل را مشاهده میکنید:



نمودار شماره (۱) انواع تمثیل از لحاظ شکل

همان‌گونه که در نمودار بالا مشاهده میکنید، در کتاب هزار و یک شب، تمثیلهای توصیفی با ۸۴ مورد معادل ۶۵,۶۲ درصد، تقریباً دو برابر تمثیلهای روایی ۴۴ مورد معادل ۳۴,۳۸ درصد، هستند. درصد بالای امثال توصیفی نشان میدهد که متن کتاب هزار و یک شب گنجینه‌ای از امثال فارسی و عربی، به ویژه امثال فارسی است. در کنار امثال فارسی، تعدادی مثل عربی نیز در کتاب وجود دارند. این امثال گاهی بدون ترجمه مانند: «با خود گفتم: ما کل مرة تسلّم الجرة» (هزار و یک شب، ج ۳: ص ۳۱۱)؛ گاهی نیز همراه با ترجمه فارسی به کار رفته‌اند، مانند: «ولکن این مرد غریبست، و در شهر ما این گرمابه بنا نهاده. اگر او را اجرت بیشتر دهند، اسراف نخواهد بود. که لا سرف فی الخیر، یعنی در خوبی، اسراف نباشد.» (همان، ج ۵: ص ۳۳۱)؛ و گاهی نیز معادل فارسی ضرب‌المثل عربی در متن آمده است. مانند: «آنگاه خواهر حسن گفت: ای برادر، خاطر آسوده دار و صبر کن بمقصود برسی. هر که شکیباً شود، مقصود یابد. که الصبر مفتاح الفرج» (همان، ج ۵: ص ۵۳) نکته دیگر اینکه ترجمه فارسی ضرب‌المثل عربی بلافاصله بعد از ذکر آن می‌آید تا خوانندگانی که زبان

عربی بلد نیستند معنی آن را در دسترس داشته باشند. در نمودار شماره (۲) میزان بسامد ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی ذکر شده در کتاب هزار و یک شب نمایش داده شده است.



نمودار شماره (۲) میزان بسامد مَثَل‌های فارسی و عربی

با توجه به نمودار شماره (۲)، ۶۱ مورد معادل ۷۲٫۶۱ درصد از مَثَل‌های به کار رفته در این کتاب فارسی هستند. ضمن اینکه مَثَل‌های عربی ذکر شده در کتاب مورد بحث ما، اکثراً مَثَل‌هایی هستند که در زبان کوچه و بازار آن زمان و حتی هم‌اکنون رایج هستند و کاربرد دارند. افزون بر این که محور زبان و زبان محور در هزار و یک شب، فارسی است در موضعی از این کتاب به جملاتی بازمیخوریم که تلاش نویسنده را در راستای بهره‌گیری هر چه بیشتر از گنجینه مَثَل‌های زبان فارسی را نشان میدهد. این سخن نشان از توجه نویسنده به میراث تمدن و فرهنگ و زبانی کهن و دیرین و شیرین است. این در حالیست که ۲۳ مورد معادل ۲۷٫۳۹ درصد از مَثَل‌های آن را مَثَل‌های عربی تشکیل میدهند.

ضرب‌المثل‌های موجود در کتاب هزار و یک شب از نظر محتوا و جهت‌گیری به چهار گروه هنجارگرایانه، آمرانه، عاطفی و توصیفی تقسیم‌بندی میشوند. این تقسیم‌بندی وضعیت جهت‌گیری ارتباطی موجود در یک زبان را نشان میدهد. در واقع، با توجه به شرایط جامعه نگرش گذشتگان نسبت موضوعات مختلف متفاوت بوده است و معمولاً این نوع نگرش در ضرب‌المثل‌های آنها منعکس شده است. اینگونه است که در ضرب‌المثل‌ها گاهی به مبحثی امر می‌شود؛ گاهی فقط توصیه به امری میشود؛ گاهی مبحثی فقط توصیف شده است؛ و گاهی هم حامل آرزویی، دعایی و نصیحتی است. در ادامه این چهار گروه را تعریف و برای هر کدام مثالهایی ذکر میشود.

ضرب المثل توصیفی: ضرب المثل توصیفی بیان کننده و تشریح کننده ویژگیهای یک شخص، یک واقعه، یک رابطه یا یک موقعیت است؛ بنابراین در کلامی موجز و مختصر موضوعی توصیف می‌شود. (تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه، ارمکی و همکاران: ص ۲۰) در واقع، این نوع ضرب المثل‌ها بیشتر شامل ضرب المثل‌هایی است که یک وضعیت ساده، بدیهی و تکراری و روزمره را توصیف می‌کنند و بر مبنای بدیهی بودن و جا افتاده بودن، افراد را به رعایت آن ضرب المثل‌ها و می‌دارد. این نوع ضرب المثل‌ها در جوامع سنتی که متکی بر عادت و سنت هستند، زیاد دیده می‌شوند. در این ضرب المثل‌ها، اتفاق افتادن یک موضوع در گذشته و روال و تکرار آن در گذشته را دلیلی برای ادامه آن در آینده می‌دانند. گاهی نیز از این ضرب المثل‌ها برای توصیف وضعیت فردی در موقعیت خاصی استفاده می‌شود. این گونه ضرب المثل‌ها بخاطر داشتن وزن و قافیه و موزون بودن، بهتر و آسان تر منظور را به فرد می‌رسانند. مانند:

«و گفت: مگر خدای تعالی این مولود را بی‌روزی آفریده؟ چنین کار نخواهد شد. زیرا که هر کس که دندان دهد، نان دهد.» (هزار و یک شب، ج ۵: ۳۴۳)

«حکایت بدخترک بازگفت. دخترک گفت: تو خاطر آسوده دار. در غیب، خدا را بسی کارهاست. سحر تا چه زاید، شب آبستنس.» (همان، ج ۲: ۲۵۵)

«من از بیم بلرزیدیم و با خود گفتم که: بیقین مرا خواهد کشت و من نیز ناگزیرم که حکایت خویش با وزیر بازگویم. گر بکشد حاکم است ورنه بنوازد رواست.» (همان، ج ۱: ۱۴۰)

ضرب المثل هنجاری: ضرب المثل هنجاری به طور ضمنی ترغیب کننده به یک عمل یا یک نو اندیشیدن، القاء کننده یک طرز فکر یا یک عمل، بدون فعل مستقیم هستند. (تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه، ارمکی و همکاران: ص ۲۰) معمولاً ضرب المثل‌هایی در این مقوله جا می‌گیرند که به نوعی بیان کننده یک قاعده اخلاقی و هنجاری باشند. این گونه ضرب المثل‌ها معمولاً از پشتوانه‌ای هنجاری، مانند؛ اخلاق و دین و یا حقوق و حتی عقلانیت برخوردارند. و گوینده بر مبنای این پشتوانه‌ها معیار و هنجار معینی را مشخص می‌کند تا فرد بر مبنای این هنجارها رفتار کند. از آنجایی که در جوامع مذهبی و سنتی پشتوانه ضرب المثل‌ها بر مبنای منطق و حکمت و روایات دینی است، افراد راحت تر و به سهولت ضرب المثل را می‌پذیرند. مانند:

«هر که آزموده را بار دیگر بیازماید او را پشیمان روی دهد.» (همان، ج ۲: ص ۳۲)

«هر که جثه درشت و طبع خبیث دارد، او از خرد، بیگانه و دور است.» (همان، ج ۲: ص

«طیانچه مؤدب در آغاز، تلخ و در انجام از عسل، شیرینتر است.» (همان، ج ۲: ص ۲۴)

ضرب‌المثل توصیه‌ای یا آمرانه: ضرب‌المثل توصیه‌ای یا آمرانه، وادارکننده به یک عمل یا یک نوع اندیشه، با فعل روشن و مستقیم، مانند: برو، بکن، نکن و ... (تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه، ارمکی و همکاران: ص ۲۰) در این ضرب‌المثل‌ها فرد بر اساس قدرت و اجبار و نوعی تحکم، دیگران را وادار به اندیشیدن و یا نوعی رفتار می‌کند. مخصوصاً در جوامعی که دارای فرهنگ شفاهی هستند ضرب‌المثل‌ها حاوی نگاه آمرانه بسامد زیادی دارند. در واقع، در این ضرب‌المثل‌ها فرد با لحنی آمرانه موضوع خود را بیان می‌کند و برخلاف نوع هنجاری این تحکم به صورت عریان و آشکار بیان می‌شود. مانند:

«سخنی که تو را سود ندهد، مگو و چیزی که تو را خشنود نکند، مشنو.» (هزار و یک شب، ج ۲: ۲۳)

«مجدالدین گفت: ای پسر، از همنشین بد، دور شو. که جلیس بد، مانند آهنگر است که اگر آتش او ترا نسوزاند، دود او ترا بیازارد.» (همان، ج ۲: ۳۸۵)

«پس از آن دست برداشته، باز ایستاده، گفت: آقای من، العجله من الشيطان. شتاب مکن، کاندر سر روزگار شب بازی‌هاست.» (همان، ج ۱: ۱۴۶)

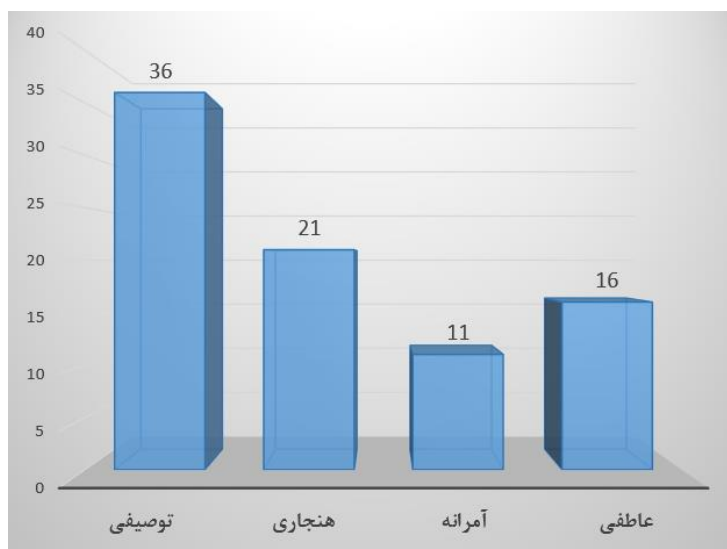
ضرب‌المثل عاطفی: ضرب‌المثل عاطفی بیان‌کننده یک نصیحت، یک آرزو یا دعا از منظر دلسوزی، بدون فعل است. (تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه، ارمکی و همکاران: ص ۲۰) در واقع، این گونه ضرب‌المثل‌ها حاوی نوعی نفرین، دعای خیر و یا طلب عاقبت خوب و یا بد برای افراد می‌باشد. مانند:

«عجوز گفت ای ملکه، او معذور است. که در مَثَل گفته‌اند: بیمار عشق را دوا نباشد و عاشق را از دیوانه فرق نتوان کرد.» (هزار و یک شب، ج ۵: ۸۱)

«از آن که حکیمان گفته‌اند که: زنان را یا شوی باید یا گور.» (همان، ج ۴: ۴۰۴)

«تغییر تقدیر نیست تدبیر.» (همان، ج ۴: ۴۴۲)

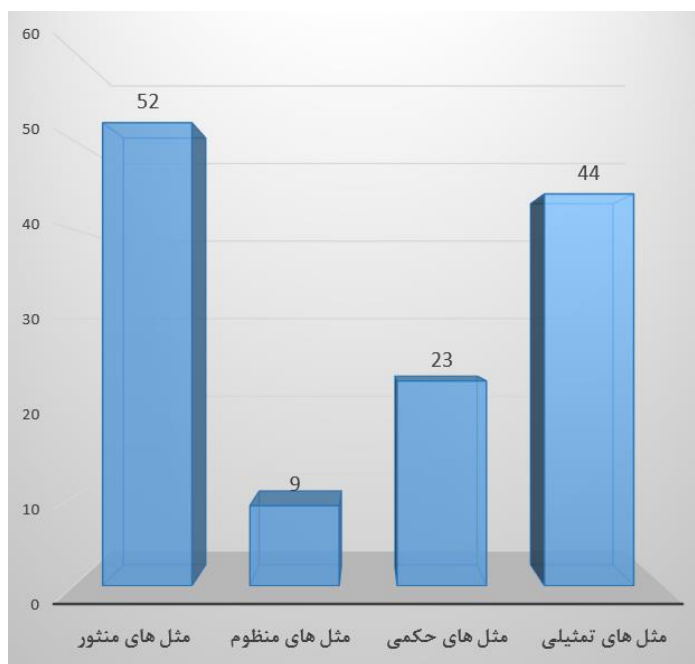
در ادامه بسامد انواع ضرب‌المثل از دیدگاه محتوا و جهت‌گیری در کتاب هزار و یک شب در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار شماره (۳) بسامد انواع ضرب‌المثل از لحاظ جهت‌گیری و محتوا همان‌گونه که نمودار بالا نشان می‌دهد، شدت جهت‌گیری با محتوای توصیفی، هنجاری و عاطفی از همه بیشتر و جهت‌گیری آمرانه نسبتاً کم است. بسامد بالای ضرب‌المثلهای توصیفی و عاطفی در این کتاب بیشتر به دلیل ساختار داستانی و محتوای تخیلی و عاشقانه حکایتهاست.

انواع مَثَل از نظر بهمنیار

درباره مَثَل از گذشته تقسیم‌بندی‌هایی مطرح بوده است، برخی همه انواع آن را زیر یک نام ذکر کردند و برخی برای مَثَل گونه‌های مختلفی قائل شدند؛ یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که درباره مَثَل انجام شده، تقسیم‌بندی استاد بهمنیار (داستان‌نامه بهمنیاری: ص ۳۲) است. ایشان درباره اقسام مَثَل مینویسد: مَثَل بر چهار قسم است: مَثَل منشور؛ مَثَل منظوم؛ مَثَل تمثیلی؛ و مَثَل حکمی. در این پژوهش، تمام مَثَل‌های موجود در کتاب هزار و یک شب، استخراج و بر اساس همین روش، تقسیم‌بندی شده‌اند. در نمودار زیر بسامد اقسام مَثَل در این کتاب نمایش داده میشود:



نمودار شماره (۴) بسامد انواع مَثَل در هزار و یک شب

با توجه به نمودار شماره (۴)، بیشتر مَثَل‌های موجود در این کتاب، از نوع مَثَل‌های منثور (۵۲ مورد معادل ۴۰٫۶۲٪) هستند، این گونه مَثَل‌ها از بسامد بالایی در ادبیات فارسی نیز برخوردارند. بعد از مَثَل‌های منثور، حکایت‌های تمثیلی با ۴۴ مورد معادل ۳۴٫۳۸ درصد بیشترین کاربرد را دارند. نکته مهم درباره این گونه تمثیلهای، کاربرد بیش از ۵۰ درصدی آنها در دو حکایت «مکاران» و «ملکزاده و شماس وزیر» است. کمترین کاربرد مربوط به مَثَل‌های منظوم با ۹ مورد معادل ۷٫۰۳ درصد است، البته در این پژوهش فقط امثال موزونی که در متن کتاب به کار رفته‌اند، در نظر گرفته شده و از برخی ابیات شاعران دیگر که می‌توانست جزء این امثال باشند چشم‌پوشی شده است. در ادامه تعریف استاد بهمنیار درباره هر کدام از این گونه‌ها ذکر میشود و برای آن چند نمونه از متن کتاب ذکر میشود:

مَثَل منثور: مثلی است که با وزنی از اوزان شعری راست نیاید و بیشتر امثال از این قسم است و در آنها جمله‌های مصنوع که مشتمل بر یک یا چند صنعت لفظی و بدیع است نیز دیده میشود. لیکن بیشتر آنها ساده و خالی از صنایع لفظی است و در جمله‌های مصنوع نیز اثری از تکلف و تصنع دیده نمیشود. (داستان‌نامه بهمنیاری، بهمنیار: ص ۳۲) چند نمونه از مَثَل‌های منثور کتاب هزار و یک شب:

«از حکم تقدیر، گریزی نباشد. چون قضا آید، طبیب ابله شود.» (هزار و یک شب، ج ۱: ص

«والی گفت: ای خلیفه، کرم درخت از خود پدید آید.» (همان، ج ۲: ص ۲۷۲)
«کارها هر چند که پوشیده باشد، در آخر آشکار شود.» (همان، ج ۲: ص ۳۴۶)
«و ای فرزند، بدان که قیمت مرد با مالست.» (همان، ج ۲: ص ۳۸۶)
«کوزه پیوسته از آب سالم درنیاید.» (همان، ج ۴: ص ۲۹۲)
«ولکن ای پسر منصور، بروزگار، هیچ نیست که تغییر نپذیرد.» (همان، ج ۲: ص ۴۲۵)
«طالب هر چه باید بر او قادر باشد.» (همان، ج ۲: ص ۴۰)
«هر که آزموده را بار دیگر بیازماید او را پشیمان روی دهد.» (همان، ج ۲: ص ۳۲)
«هر که جثه درشت و طبع خبیث دارد، او از خرد، بیگانه و دور است.» (همان، ج ۲: ص ۲۹)
«طپانچه مؤدب در آغاز، تلخ و در انجام از عسل، شیرینتر است.» (همان، ج ۲: ص ۲۴)
«و بدان که هر کس که به قویتر از خود تشبه جوید، بمشقت افتد.» (همان، ج ۲: ص ۴۱)
«تغییر تقدیر نیست تدبیر.» (همان، ج ۴: ص ۴۴۲)

مَثَل منْظوم: غالباً یک مصراع و گاهی بیت تمام از شعر است که متضمن صنعت تمثیل یا ارسال المثل بوده و استعمالش بین عامه رایج و متداول شده است. (داستان‌نامه بهمنیاری، بهمنیار: ص ۳۲) مَثَل‌های منظوم این کتاب از بسامد پایینی برخوردار است. در زیر چند نمونه از این گونه مَثَل‌ها ذکر میشود:

«من از بیم بلرزیدیم و با خود گفتم که: بیقین مرا خواهد کشت و من نیز ناگزیرم که حکایت خویش با وزیر بازگویم. گر بکشد حاکم است ور بنوازد رواست.» (هزار و یک شب، ج ۱: ص ۱۴۰)

«شرکان از این سخن حیران شد و گفت: چو فردا شود، فکر فردا کنیم.» (همان، ج ۱: ص ۲۴۱)

«حکایت بدخترک بازگفت. دخترک گفت: تو خاطر آسوده دار. در غیب، خدا را بسی کارهاست. سحر تا چه زاید، شب آبستنست.» (همان، ج ۲: ص ۲۵۵)
«که من امید از پیوندان خود بریده‌ام. چون تو دارم، همه دارم. دگرم هیچ نباید.» (همان، ج ۴: ص ۳۷۸)

«سیده زبیده باو گفت: ای دخترک، اگر چه رسم است کز آدمی روی نهان کند پری، ولکن روی خود بگشای تا جمال تو ببینم.» (همان، ج ۵: ص ۴۴)

مَثَل حکمی: عبارت است از جمله حکیمانه سودمندی که مقبول عام و مشهور گردیده و اغلب آن را در یاد دارند و در موارد مناسب ایراد میکنند. اصل و منشا و نام اول گوینده این قسم غالباً مجهول است و اگر هم معلوم باشد، دانستنش شرط نیست. (داستان‌نامه بهمنیاری، بهمنیار: ص ۳۲) مَثَل‌های حکمی‌ای که در کتاب هزار و یک شب ذکر شده، همواره با عبارتهایی چون: «در امثال گفته‌اند»، «پیشینیان گفته‌اند»، «در مَثَل گفته‌اند»، «حکیمان

گفته‌اند»، «که گفته‌اند» و ... آغاز میشوند. بیشتر مَثَل‌های عربی این کتاب، در همین گروه قرار می‌گیرند. در زیر چند نمونه از این مَثَل‌ها ذکر میشود:

«نشیده که در مثل گفته‌اند: من لم یکفر فی العواقب لم یامن العاطب.» (هزار و یک شب، ج ۲: ص ۲۶)

«حکیمان گفته‌اند: با بدان یار مشو که یار بد، ترا نیز بد کند.» (همان، ج ۲: ص ۳۳)
«حکیمان گفته‌اند: هر چیزی را علاجی است بجز مرگ که چاره ندارد.» (همان، ج ۲: ص ۳۴)
«که حکیمان گفته‌اند: هر که بناجوانمردان اعتماد کند، فریب خواهد خورد.» (همان، ج ۲: ص ۳۲)

«کافر گفت: یا سیدی، حکیمان گفته‌اند که: هر که با مهمان چیز نخورد، ناپاک‌زاده است.» (همان، ج ۲: ص ۳۹۶)

«عجوز گفت ای ملکه، او معذور است. که در مَثَل گفته‌اند: بیمار عشق را دوا نباشد و عاشق را از دیوانه فرق نتوان کرد.» (همان، ج ۵: ص ۸۱)

«اگر اکنون مذمتش گویم، دروغ گو خواهم شد و از آن کسان باشم که در مَثَل گفته‌اند: اگر کسی کسی را مدحت کند، پس از آن مذمتش گوید، دو دروغ گفته خواهد بود.» (همان، ج ۵: ص ۴۶۴)

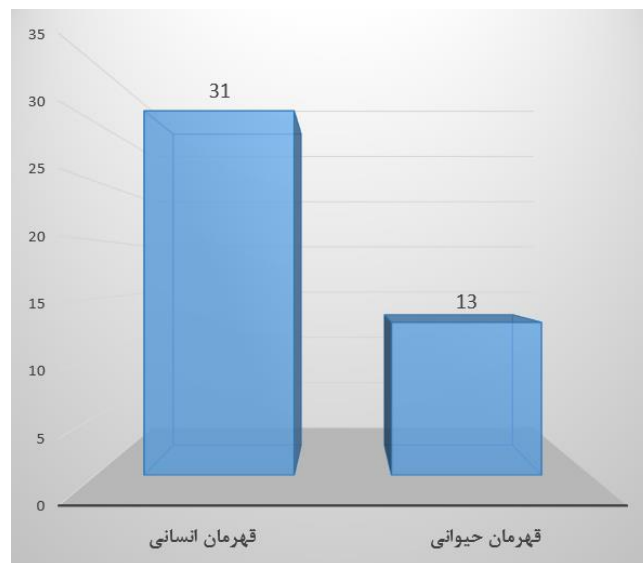
«راست گفته‌اند که: انسان را زبان، مایه زیان است.» (همان، ج ۵: ص ۴۱۸)
«آنگاه خواهر حسن گفت: ای برادر، خاطر آسوده دار و صبر کن بمقصود برسی. هر که شکیبیا شود، مقصود یابد. که الصبر مفتاح الفرج.» (همان، ج ۵: ص ۵۳)

مَثَل تمثیلی: آن است که مبتنی بر واقعه تاریخی واقعی و یا افسانه‌ای باشد. مانند «دعوا بر سر لحاف ملانصرالدین بود» پر واضح است که فهمیدن مَثَل‌های تمثیلی موقوف بر دانستن اصل و منشا بلکه شناختن نخستین گوینده هر مَثَل است. اصل و منشاء این گونه امثال سه نوع است؛ واقعه تاریخی، حکایتی پندآموز یا افسانه‌ای شیرین، عادات یا افعال ناشی از توهّمات هر ملت. (داستان‌نامه بهمیناری، بهمیناری: ص ۳۲) مَثَل تمثیلی یکی از پرکاربردترین نوع مَثَل در کتاب هزار و یک شب محسوب میشود، به طوری که ۳۴،۳۸ درصد، از مَثَل‌ها را به خود اختصاص داده است. این تمثیلها بیشتر در حکایت‌هایی که از نظر اکثر صاحب‌نظران (محبوب؛ ستاری) ریشه هندی دارند، ذکر شده‌اند، حکایت‌هایی نظیر «حکایت مکاران»، «حکایت ملکزاده و شماس وزیر»، و همچنین حکایت‌هایی که از زبان حیوانات نقل میشود. همه ۴۴ مورد مَثَل تمثیلی کتاب هزار و یک شب، فقط در ۹ حکایت به کار رفته‌اند. ویژگی مهم این تمثیلها شیوه داستان‌پردازی آنهاست که بر سیاق داستان‌پردازی‌های مرسوم کتابهای عامیانه هندی است که معمولاً با جمله‌هایی قریب به این مضمون آغاز میشوند: «تو نباید چنین و چنان کنی، تا آنچه بر فلان رسید بر تو نرسد»، دیگری می‌پرسد: «چگونه است آن؟» و طرف

مقابل نقل داستان را آغاز میکند و در پایان نتیجه مورد نظر خود را میگیرد. همچنین، در برخی از موارد تمثیل با این جمله آغاز میشود؛ «مَثَل من و تو چون مَثَل فلان است»، البته باید توجه داشت که مراد نویسندگان از لفظ «مَثَل» در اینجا باید «تمثیل» باشد که تا آن هنگام و حتی دوره‌های بعد بدان مَثَل میزدند و همین کاربرد تا حدودی متفاوت از برداشت امروزی از این لفظ است. اما آنچه که امروز ما به عنوان مَثَل منظور نظر داریم عباراتی غالباً کوتاه و رساست که در حقیقت عصاره و چکیده آن حکایات تمثیل است

تعدادی از این امثال و حکایات از زبان ددان و مرغان که به سبک و سیاق کلیله و دمنه و اسلوب و شیوه هندی است، شلگل معتقد است: تمام افسانه‌های عبرت‌آمیز و نشاط‌برانگیز، هندی هستند، زیرا نظائر آن در ادبیات سانسکریت باز یافته میشود. نظیر داستان بازرگانی را که زبان چارپایان میدانست. (افسون شهرزاد، ستاری: ص ۱۸-۱۹) تمثیلهای کتاب هزار و یک شب، اکثراً در راستای نضج مسائل اخلاقی هستند، به طوری که از میان ۴۴ حکایت تمثیلی این کتاب، ۱۵ مورد، یعنی یک سوم از تمثیلهای آن درباره مکر و حيله‌گری و نتایج این رفتار است. بعد از این مورد، مسائلی چون: پشیمانی از کرده خود با (۹ مورد)؛ باور به تقدیر و توکل با (۵ مورد)؛ تأکید بر تفکر و نفی بی‌تدبیری با (۵ مورد)؛ صبر و شکیبایی و نفی شتاب در کار (۲ مورد)؛ تقبیح ظلم و ستم (۲ مورد)؛ و سایر موارد (۶ مورد) به ترتیب از بیشترین به کمترین قرار میگیرد.

حکایتهای تمثیلی هزار و یک شب را از منظر قهرمان داستان می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ حکایتهایی که قهرمان آن، افراد انسانی هستند «تمثیل غیر حیوانی» و حکایتهایی که قهرمان آنها حیوانات و جانوران هستند «تمثیل حیوانی». (بیان، شمیسا: ص ۲۰۶) تمام حکایتهای تمثیلی این کتاب استخراج شده که نمودار شماره (۵) بسامد هر یک از این گونه تمثیلهای را در این کتاب نشان میدهد.



نمودار شماره (۵) بسامد انواع تمثیل از منظر قهرمان داستان

همان‌گونه که در نمودار بالا مشاهده میشود، ۳۱ مورد معادل ۷۰,۴۵ درصد از تمثیلهای کتاب هزار و یک شب، دارای قهرمان انسانی هستند. این شخصیتها در نظام اجتماعی تجزیه و تحلیل نمیشوند؛ بلکه شنونده بیشتر متوجه عقاید خود میشود. امتیاز دیگر این گونه تمثیلهای نسبت به تمثیلهای حیوانی، احتمال وقوع آنها در عالم خارج است، زیرا شخصیتها آن از نوع انسان هستند، برخلاف آن تمثیلهای حیوانی بیشتر شکل افسانه دارند و اغلب سلسله حوادث و ارتباط آنها و عمل حیوانات خود باعث غیر محتمل و غیر واقعی بودن تمثیل میشود. به همین دلیل، ۱۳ مورد معادل ۲۹,۵۵ درصد از تمثیلهای این کتاب، تمثیل حیوانی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

با تأمل و تعمق در مَثَل و تمثیلهای کتاب هزار و یک شب به این نتیجه میرسیم که این کتاب گنجینه‌ای از تمثیلهای و اصطلاحات عامیانه است. این تمثیلهای، در واقع، به عنوان برهان و دلیلی برای قطعیت بخشیدن به سخن نویسنده استفاده میشود تا آنچه در ذهن اوست، در حد فهم و ادراک مخاطب بیان شود. تمثیل اگر شکل داستانی داشته باشد، تمثیل روایی و اگر کوتاه و مختصر باشد توصیفی است. ۶۵,۶۲ درصد از تمثیلهای هزار و یک شب توصیفی و ۳۴,۳۸ درصد تمثیلهای روایی هستند. تمثیلهای توصیفی نشان میدهد که نویسنده از خط ادبیات مشرق زمین تخطی نکرده است؛ زیرا اکثر تمثیلهای در ادبیات مشرق زمین از نوع

توصیفی است. از میان تمثیلهای توصیفی ۷۲,۶۱ درصد فارسی و ۲۷,۳۹ درصد عربی هستند. درصد بالای تمثیلهای فارسی نشان از اهتمام نویسندگان به زبان فارسی و احیاء مَثَلهای فارسی است. ضمناً باید توجه داشت که مَثَلهای عربی این کتاب از مَثَلهایی است که در زبان کوچه و بازار آن زمان و چه بسا در زمان ما نیز رایج هستند. تمثیلهای توصیفی این کتاب از نظر جهت‌گیری و محتوا به ترتیب، ۴۲,۸۵ درصد تمثیلهای توصیفی، ۲۵ درصد تمثیلهای هنجاری، ۱۹,۰۶ درصد تمثیلهای عاطفی، ۱۳,۰۹ درصد تمثیلهای آمرانه، از بیشترین به کمترین بسامد برخوردارند. از آنجایی که این جهت‌گیریها، وضعیت ارتباط را در زبان آن دوران، نشان می‌دهد، بنابراین وجود تمثیلهای توصیفی و هنجاری با درصد بالا میتواند به دلیل موضوع تخیلی و عاشقانه این تمثیلهای باشد. مَثَل از دیدگاه استاد بهمنیار به چهار گونه تقسیم میشود، که مَثَلهای این کتاب به ترتیب؛ ۴۰,۶۲ درصد مَثَلهای منثور، ۳۴,۳۴ درصد مَثَلهای تمثیلی، ۱۷,۹۶ درصد مَثَلهای حکمی و ۷,۰۳ درصد مَثَلهای منظوم، از بیشترین به کمترین بسامد برخوردارند. شایان ذکر است که مَثَلهای تمثیلی هزار و یک شب، بیشتر در حکایت‌هایی هستند که ریشه هندی دارند، از جمله در حکایت‌های «مکاران»، «ملکزاده و شماس وزیر»، و حکایت‌هایی که از زبان حیوانات هستند. این تمثیلهای اکثرأ در راستای نصح مسائل اخلاقی هستند به طوری که ۱۵ مورد آنها درباره مکر و حيله‌گری و نتایج آن است، پشیمانی از کرده خود نیز با ۹ مورد جزء پرکاربردترین‌هاست، در مقابل، تقبیح ظلم و ستم با دو مورد و توصیه به صبر شکیبایی نیز با دو مورد جزء موضوعات با بسامد پایین هستند. این تمثیلهای را از نظر قهرمان داستان، به تمثیلهای حیوانی و انسانی تقسیم می‌شوند که ۷۰,۴۵ درصد دارای قهرمان انسانی و ۲۹,۵۵ درصد قهرمان از نوع حیوان است. امتیاز تمثیلهای انسانی نسبت به تمثیلهای حیوانی، احتمال وقوع آنها در عالم خارج است در حالی که تمثیلهای حیوانی بیشتر شکل افسانه دارند و اغلب سلسله حوادث و ارتباط آنها و عمل حیوانات خود باعث غیرواقعی بودن این تمثیلهای است.

منابع

- ارسال‌المثل در مثنوی، منصور مؤید، علیرضا، (۱۳۷۶)، تهران: سروش.
- افسون شهرزاد، پژوهشی در هزار افسون، ستاری، جلال، (۱۳۶۸)، تهران: توس.
- اینجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۵۲)، تمثیل و مثل، تهران: امیرکبیر.
- بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی، ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۶)، مجله نجوا، شماره ۳، صص ۲۴-۱۵.
- بلاغت تصویر، فتوحی، محمود، (۱۳۹۳)، تهران: سخن.

- بیان، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۰)، تهران: فردوس.
- تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک شب، خراسانی، محبوبه؛ مزدآپور، کتابون؛ ذنوبی، طيبه، (۱۳۸۹)، پژوهش‌های ادبی، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۹-۳۰.
- تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری، آزاد ارمکی، تقی؛ ترکارانی، مجتبی؛ حق‌ندری، ایرج، (۱۳۹۲)، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱، صص ۹-۳۴.
- تحلیلی از هزار و یک شب، ایروین، رابرت، (۱۳۸۹)، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه، چاپ دوم.
- تفاوت ضرب‌المثل با برخی گونه‌های ادبی و زبانی مشابه، ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۶)، فصلنامه پژوهشی و فرهنگی نجوای فرهنگ، شماره ۴.
- تفاوت کنایه با ضرب‌المثل، ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۷)، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۰، ۱۲۳-۱۰۹.
- تمثیل در ادب پارسی، خیالی خطیبی، احمد، (۱۳۸۵)، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۴۱، صص ۴۸-۵۳.
- تمثیل در ادبیات ایران و جهان، ملایی، غلامحسین، (۱۳۸۳)، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۷۰، صص ۵۹-۵۶.
- تمثیل و تصویر نو از کارکردها و انواع آن، شیرینی، قهرمان، (۱۳۸۹)، فصلنامه کاوش‌نامه، شماره ۲۰، ۵۴-۳۳.
- تمثیل و مثل، انجوی شیرازی، ابوالقاسم، (۱۳۵۲)، تهران: امیرکبیر.
- جاذبه و افسون هزار و یک شب، زرگر امینی، غزال، (۱۳۸۶)، مجله رودکی، شماره ۱۶، صص ۴۰-۳۴.
- جنبه‌های دراماتیک هزار و یک شب، ثمینی، نغمه، (۱۳۷۶)، مجله هنر، شماره ۳۴، صص ۹۳-۸۴.
- چاره‌گری زنان در هزار و یک شب، ابراهیمی، شایسته، (۱۳۸۸)، مجله بهار ادب، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۲۵-۱۳۵.
- داستان‌نامه بهمنیاری، بهمنیار، احمد، (۱۳۸۱)، تهران: دانشگاه تهران.

- در تمثیل و ارسال المثل، ابومحبوب، احمد، (۱۳۷۲)، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۳۲، صص ۷۶-۷۴.
- در جستجوی شهرزاد هزار و یک شب، طاووسی، محمود و ثمینی، نغمه، مهندس پور، فرهاد (۱۳۸۶)، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۵، صص ۸۰-۶۳.
- دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها، شکورزاده، ابراهیم، (۱۳۹۰)، تهران: به نثر.
- رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، پورنامداریان، تقی، (۱۳۹۱)، تهران: علمی و فرهنگی.
- روند قصه‌گویی شهرزاد در توالی قصه‌های هزار و یک شب، حسینی، مریم؛ قدرتی، حمیده، (۱۳۹۱)، فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۵-۳۸.
- ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، پرتوی آملی، مهدی، (۱۳۹۱)، تهران: سنایی.
- سرچشمه تکوین و توسعه انواع تمثیل، حمیدی، سیدجعفر؛ شامیان، اکبر، (۱۳۸۴)، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، صص ۱۰۳-۷۵.
- سیری در داستان‌های امثال، مجله مطالعات ایرانی، ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۴)، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۸، صص ۱۰۶-۷۵.
- صراحی می‌ناب، سپهر، فرشته، (۱۳۹۲)، تهران: کتابدار.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۶)، تهران: آگاه.
- فرهنگ امثال فارسی، جمشیدی پور، یوسف، (۱۳۴۷)، تهران: فروغی.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، (۱۳۶۶)، تهران: هما.
- قصه‌اندیشی ایرانی در هزار و یک شب، تحلیلی بر فصل آغازین هزار و یک شب، دمشناس، ابراهیم، (۱۳۸۴)، کتاب ماه هنر، شماره ۸۱ و ۸۲، صص ۷۸-۷۴.
- کاوش در امثال و حکم فارسی، برقی، سید یحیی، (۱۳۶۴)، قم: نمایشگاه و نشر کتاب.
- کاوشی در مثل، تمثیل و ارسال المثل، سازواری، محمودرضا و محمدریحانی، شهلا، (۱۳۹۲)، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۵، صص ۸۱-۶۱.
- کتاب عشق و شعبده، پژوهشی در هزار و یک شب، ثمینی، نغمه، (۱۳۷۹)، تهران: نشر مرکز.

- مثل‌ها از نگاهی نو، پارسا، احمد، (۱۳۸۴)، مجله آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۷۵، صص ۱۸-۴.
- مثل‌ها و حکمت‌ها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم، عقیقی، رحیم، (۱۳۹۳)، تهران: سروش.
- مقدمه بر هزار و یک شب، ستاری، جلال، (۱۳۸۷)، تهران: نشر مرکز.
- نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱)، تهران: فردوس.
- هزار و یک شب، (۱۳۸۷)، ترجمه عبداللطیف طسوجی تبریزی، ویراستاری دکتر میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.